



## بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی - 28 / بهمن / 1394

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۱)  
الحمد لله رب العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا محمّد و آله الطاهریں.

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیز، مخصوصاً به خانواده‌های معزز شهیدان، علمای محترم، مسئولین محترم، آحاد مردم و جوانان عزیزی که این راه طولانی را پیمودید و امروز فضای حسینیه‌ی ما را معطر کردید به عطر ایمان و شور و انگیزه‌ای که مخصوص شما است؛ این سلام در واقع به همه‌ی مردم تبریز و به همه‌ی مردم آذربایجان است.

حقیقتاً روز بیست و نهم بهمن در هر سال برای ما - یعنی برای این حقیر - یک روز شیرین و مطلوب است و از نزدیک تجدید خاطره میکنیم با آنچه همواره از مردم عزیز آذربایجان و مردم تبریز دیده‌ایم و احساس کرده‌ایم و آگاهیم؛ یعنی همان شور و انگیزه و ایمان و نشاط و بیداری. حُسن بزرگ یک مجموعه از مردم این است که آگاه باشند، بیدار باشند، ثابت قدم باشند، در فعالیت خود دارای ابتکار باشند، راه را بشناسند، از خطرات راه واهمه نکنند و پیش بروند، که اینها همه در شما مردم عزیز آذربایجان و مردم تبریز هست و دیده شده و مکرراً تجربه شده است؛ خدا را شکر میکنیم. حقیقتاً بنده وقتی میبینم این شور و احساس و این گفتارها و بیانهای حاکی از ایمان عمیق و پرشور را، خدا را سپاس میگذارم، خدا را شکر میکنم؛ اینها نشانه‌ی نصرت الهی است. خداوند متعال در قرآن به پیغمبرش میفرماید: هُوَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ؛ (۲) خداوند تو را با نصرت خود و به وسیله‌ی عزم و اراده و دستهای نیرومند مؤمنان و گامهای ثابت مؤمنان کمک کرد؛ نقش مؤمنین این است. نقش شما جوانها، شما مردم عزیز و پُرانگیزه یک چنین نقش عظیمی است که خدا در قرآن بیان میکند.

روز بیست و نهم بهمن یک روز فراموش نشدنی است؛ البته مردم آذربایجان و مردم تبریز، روزهای فراموش نشدنی بسیاری دارند و مخصوص روز بیست و نهم بهمن نیست. در تاریخ معاصر ما، در تاریخ نزدیک به ما و در دوران مشروطه، قبل از مشروطه، بعد از مشروطه، روزهایی هست که هر کدام از آنها اگر تبیین بشود، توصیف بشود، مایه‌ی افتخار یک ملت است؛ اینها مال شما است، مال آذربایجان است و مال تبریز است. البته ما کم کاری داریم؛ این حرکت‌های عظیم مردمی باید در رشته‌های گوناگون هنری و تبیینی و تبلیغی باز بشود، گفته بشود، تکرار بشود؛ ما یک مقداری در این زمینه‌ها انصافاً کم کار هستیم. لکن بیست و نهم بهمن، آن قدر زنده هست که هر چه هم کم کاری داشته باشیم، جلوه‌ی آن کم نمیشود؛ اگر نگوییم روز به روز بیشتر میشود. مردم تبریز یک حرکتی در روز بیست و نهم بهمن انجام داده‌اند که نقش آن در بیداری ملت ایران و در حرکت عظیم ملت ایران، یک نقش استثنائی بود.

خب، بحمدالله مردم آذربایجان متوقف هم نشده‌اند؛ در طول سالهای متمادی - از سال ۵۶ تا امروز که از آن روز تا حالا ۳۸ سال، ۳۹ سال میگذرد؛ در تمام این مدت - این مردم در صفوف مقدّم جهاد و مبارزه و ایستادگی و فعالیت حضور داشته‌اند؛ اینها ارزش است؛ این همان چیزی است که این ملت احتیاج دارد، این همان چیزی است که آینده‌ی کشور وابسته‌ی به آن است. در مورد بیست و دوم بهمن هم، عین همین قضیه صادق است؛ بیست و دوم بهمن باید روز به روز، سال به سال زنده‌تر، درخشان‌تر و برجسته‌تر شود؛ این نیاز کشور ما است.



و من لازم است که از اعماق دل تشکر کنم از ملت بزرگ ایران به خاطر حماسه‌ای که امسال در بیست و دوم بهمن آفریدند. مراکزی که جمعیتها را تخمین میزنند - تخمین‌های نزدیک به واقع - برای من گزارش آوردند که امسال جمعیت، تقریباً در همه‌ی شهرهای کشور به میزان قابل توجهی بیش از سال گذشته بود؛ در تبریز شما، یک درصد بالایی بیش از سال گذشته بود؛ در بعضی از شهرهای دیگر [هم] همین جور؛ اینها را مراکز مسئول و مرجع این کار برآورد میکنند و به ما گزارش میکنند. این خیلی مهم است، این خیلی باارزش است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که مردم در عزم راسخ خود، اندکی خلل ایجاد نکردند؛ آن‌هم در موقعیتی که قدرتهای مسلط جهانی، قدرتهای ظالم و مستکبر عالم که متوجه ایران اسلامی هستند، همه‌ی تلاش خودشان را به کار میبرند که انقلاب را از یاد مردم ببرند، یا بکلی به فراموشی بسپارند یا آن را ضعیف کنند و کم‌رنگ کنند در ذهن مردم. این تلاشی است که امروز دارد با جدیت از سوی قدرتهای عالم دنبال میشود و در یک چنین شرایطی ملت ایران درست عکس آنچه میخواهند عمل میکند و پُرشورتر از هر سال، این مراسم را انجام میدهد.

خب، جشن انقلاب بر شما مردم مبارک باد و بحمدالله مبارک شد؛ جشن بیست و دوم بهمن یک جشن عمومی بود در سرتاسر کشور. من قبل از بیست و دوم بهمن عرض کردم که ما دو عید در پیش رو داریم: (۳) یکی عید انقلاب است که بیست و دوم بهمن بود، یکی عید انتخابات است؛ انتخابات هم عید بزرگی است برای کشور. ما درباره‌ی انتخابات خیلی حرف زدیم؛ نه این انتخابات هفته‌ی آینده، در کل انتخاباتها در سراسر کشور، در طول زمان آنچه لازم است عرض کرده‌ایم، باز هم عرض خواهیم کرد و باز هم خواهیم گفت. بنده از گفتن حقیقت خسته و ملول نخواهم شد و میگویم برای مردم آنچه لازم است ان شاءالله.

انقلاب اسلامی دوران تحقیر ملت ایران را خاتمه داد؛ قبلاً ملت ایران به وسیله‌ی بیگانگان و قدرتها تحقیر میشد؛ تحقیر علمی میشد، تحقیر سیاسی میشد، تحقیر اجتماعی میشد. آنچه را قدرتهای مسلط و عمدتاً آمریکا در این سالهای آخر مایل بودند، به سران رژیم پهلوی دیکته میکردند و آنها هم عیناً همان را عمل میکردند؛ قبل از آمریکا هم انگلیسی‌ها این نقش را در کشور ایفا میکردند؛ انقلاب اسلامی آمد این تحقیر غیر قابل تحمل را برطرف کرد و به کشور و به ملت عزت داد، استقلال داد و انسانیت او را مطرح کرد. وقتی یک ملت احساس هویت کرد، آن وقت استعدادها در او شکوفا میشود و شد؛ استعدادها شکوفا شد، کشور پیشرفت کرد. امروز کشور در ردیف عزتمندترین کشورهای دنیا است؛ ملت ایران جزو آبرومندترین ملتهای دنیا است در چشم دشمنان خود، چه برسد به دوستان؛ این برای دشمنان ما قابل تحمل نیست. این برای آمریکا که یک روزی اینجا مثل حیات خلوتش بود و برای رژیم صهیونیستی که اینجا یک روز آرامشگاهش بود و می‌آمدند اینجا استراحت میکردند، غیر قابل تحمل است؛ برای دشمنان ملت ایران اینکه یک ملتی صریحاً بایستند و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای نظرات قاطع خود را علیه استکبار بیان بکنند و به دیگر ملتها جرئت بدهد، قابل تحمل نیست، لذا هرچه میتوانند دارند تلاش میکنند. این تلاش دشمن تا کی ادامه خواهد داشت؟ تا وقتی که شما ملت ایران به آن چنان قدرتی دست پیدا کنید که بتوانید آنها را مأیوس کنید؛ همه‌ی تلاش دشمن مصروف این میشود که مانع رسیدن شما به این مرحله بشود. همه‌ی دعوایی که شما ملاحظه کردید بر سر مسئله‌ی هسته‌ای راه انداختند، حرفهایی که در باب حقوق بشر میزنند، تهدیدهایی که میکنند، تحریمهایی که کردند و باز هم تهدید میکنند که تحریم میکنیم، برای این است که این ملت را در این راهی که پُرشتاب دارد حرکت میکند، از شتاب بیندازند و آن را متوقف کنند؛ البته انگیزه‌ی ملت ایران انگیزه‌ای است که با این چیزها کم نخواهد شد، کم‌رنگ نخواهد شد.



خب، مسئله‌ی انتخابات در پیش است؛ من چیزهایی را که میبینم، چیزهایی را که احساس میکنم، باید با ملت عزیزمان در میان بگذارم. بعضی از حرفها را باید به مسئولین محترم بگویم و میگویم، بعضی از حرفها را باید افکار عمومی ملتمان مورد توجه قرار بدهند و من وظیفه دارم آنها را به ملتمان عرض بکنم: دشمن درصدد آن است که افکار عمومی ما را از اهداف خود و نیات پلید خود غافل نگه دارد؛ برنامه‌هایی را میچینند، قطعات جداگانه‌ای را در جاهای مختلف تدارک می‌بینند تا این قطعات را به هم وصل کنند، آن وقت آن نقشه و توطئه‌ی اصلی آنها تحقق پیدا کند؛ ما باید نگذاریم. چه کسی باید نگذارد؟ ملت. کشور مال شما است، کشور مال ملت است، صاحب کشور، ملت عزیز ما است؛ او باید نگذارد؛ منتها امثال این حقیر هم وظیفه داریم که ملت عزیز را آگاه کنیم. من میبینم که در زمینه‌ی انتخابات، دشمنان دارند تلاش میکنند؛ میخواهند انتخابات آن‌جوری که آنها میخواهند برگزار بشود. البته ته دلشان این بود که انتخابات برگزار نشود؛ چند سال قبل از این در یک دوره‌ای تلاش هم کردند که بلکه بتوانند کاری کنند که انتخابات برگزار نشود؛ خدای متعال نگذاشت؛ از آن مایوسند و میدانند که سعی آنها برای متوقف کردن انتخابات کشور به جایی نخواهد رسید، لذا میخواهند اعمال نفوذ کنند در انتخابات و هرچیز میتوانند انتخابات را خراب کنند؛ مردم باید آگاه باشند و نقطه‌ی مقابل آنچه آنها میخواهند، عمل کنند.

یکی از کارهایی که آنها امروز بجد دنبال میکنند این است که شورای نگهبان را تخریب کنند؛ ببینید برادران و خواهران عزیز! تخریب شورای نگهبان معنا دارد. آمریکایی‌ها از اول انقلاب با چند نقطه‌ی اساسی در کشور و در نظام جمهوری اسلامی بشدت مخالف بودند که یکی‌اش شورای نگهبان بود؛ سعی کردند، تلاش کردند و از بعضی افراد داخلی غافل و بی‌توجه هم سوءاستفاده کردند بلکه بتوانند بساط شورای نگهبان را جمع کنند - البته نتوانستند و نمیتوانند - حالا درصددند تصمیم‌های شورای نگهبان را زیر سؤال ببرند. معنای این کار چیست؟ جوانهای عزیز ما به این درست توجه کنند؛ وقتی تصمیم‌های شورای نگهبان زیر سؤال رفت و ادعا شد که اینها غیر قانونی است، معنایش چیست؟ معنایش این است که انتخاباتی که پیش رو است، غیر قانونی است؛ وقتی انتخابات غیر قانونی شد، برخلاف قانون شد، نتیجه‌اش چیست؟ نتیجه‌اش این است مجلسی که بر اساس این انتخابات تشکیل خواهد شد، غیر قانونی است؛ معنای غیر قانونی بودن مجلس این است که در طول چهار سال هر قانونی که در این مجلس بگذرد، اعتبار ندارد و بی‌اعتبار است؛ یعنی کشور را چهار سال در خلأ مجلس و خلأ قانون نگه داشتن؛ معنای تخریب شورای نگهبان این است و دشمن این را میخواهد. البته آن کسانی که با دشمن در داخل هم‌صدایی میکنند، بیشترشان ملتفت نیستند چه کار میکنند. من متهم نمیکنم کسی را به خیانت؛ ملتفت نیستند، توجه ندارند اما واقع قضیه این است. تخریب شورای نگهبان، اینکه شورای نگهبان را ما زیر سؤال ببریم و بگوییم که تصمیم‌گیری‌هایشان برخلاف قانون بوده است، تخریب شورای نگهبان نیست، تخریب انتخابات است، تخریب مجلس است، تخریب چهار سال قانون‌گذاری در مجلس است؛ دنبال این هستند. ببینید، نقشه را چه زیرکانه میکشند. این را من باید به افکار عمومی بگویم؛ افکار عمومی باید بدانند این را؛ آن کسی که علیه شورای نگهبان حرف میزند، خودش ملتفت نیست و توجه ندارد که چه کار دارد میکند اما کار این است. تلاش دشمن متمرکز است بر اینکه جمهوری اسلامی را از مردم سالاری دینی - این پدیده‌ی بی‌نظیر، این پدیده‌ی بدیع، این پدیده‌ی جذاب برای ملت‌های مسلمان - محروم کنند؛ تلاششان این است. اگر نمیتوانستند انتخابات را متوقف میکردند که نتوانستند و نخواهند توانست؛ اگر نمیتوانستند شورای نگهبان را از بین میبردند یا نظارت او را بی‌اثر میکردند که نتوانستند. حالا که نتوانستند، به این راه‌ها متوسل شدند، از این راه‌ها دارند وارد میشوند؛ باید حواسمان جمع باشد.

مجلس خیلی مهم است؛ مجلس شورای اسلامی جایگاه بسیار با اهمیتی است. چرا؟ چون مجلس ریل‌گذار حرکت



دولت است. دولت‌ها را در نظر بگیرید مثل یک قطاری که بر روی یک ریلی باید حرکت کنند؛ این ریل را مجلس شورای اسلامی با قوانین خود میگذارد. البته در گذاشتن قانون، دولت و مجلس همکاری میکنند؛ دولت لایحه میدهد، مجلس لایحه را کم و زیاد میکنند، اصلاح میکنند، تصویب میکنند. این ریل گذاشته میشود و دولت باید روی این ریل حرکت بکند. اگر چنانچه مجلس به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، به دنبال پیشرفت علم، پیشرفت فناوری، به دنبال عزت ملی و استقلال ملت باشد، ریل‌گذاری او به سمت این هدفها خواهد بود؛ اگر مجلس مرعوب غرب باشد، مرعوب آمریکا باشد، دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری باشد، ریل‌گذاری او در این جهت‌ها خواهد بود؛ کشور را بدبخت خواهند کرد. اهمیت مجلس اینها است؛ اینها چیز کمی است؟ اهمیت مجلس همان‌طور که امام فرمودند به این است که در رأس امور است. (۴) معنای «رأس امور» این نیست که در سلسله‌مراتب اجرائی، مجلس نقشی دارد یا نماینده‌ی مجلس نقشی دارد؛ نه، مجلس در سلسله‌ی مراتب اجرائی هیچ نقشی ندارد؛ دستگاه عظیم دولت است که اجرا میکند، اما مجلس تعیین‌کننده‌ی مسیر است، مسیر را معین میکند؛ دولت‌ها موظفند و مجبورند برطبق قانون که در این مسیر حرکت کنند؛ روی این ریل حرکت کنند. خوب، این ریل را چه کسی بنا است بگذارد؟ چه کسی بنا است این ریل‌کشی را بکند؟ به کدام سمت بنا است این ریل گذاشته بشود؟ این است که اهمیت نمایندگی مجلس و نمایندگان مجلس را روشن میکند. خوب، البته دشمن همه‌جور کاری انجام میدهد. این مربوط به مجلس شورای اسلامی بود.

مجلس خبرگان از لحاظ اهمیت اصولی و اساسی و زیربنائی از این هم مهم‌تر است. مجلس خبرگان به مسائل جاری کشور کاری ندارد اما مسئله‌ی تعیین رهبری است. چه کسی را رهبر خواهند کرد، چه کسی بنا است تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار اصلی کشور باشد؟ این بستگی دارد به اینکه در مجلس خبرگان چه کسانی باشند. مجلس خبرگان آن مجلسی است که در وقت لازم رهبر را معین میکند؛ اگر مردمی باشند دلبسته‌ی به انقلاب، دلباخته‌ی ملت، آگاه از توطئه‌های دشمن، ایستاده و پایدار در مقابل دشمن یک‌جور عمل میکنند، اگر خدای نکرده این چیزها نباشد، جور دیگری عمل میکنند. لذا الان دشمن بر روی مجلس خبرگان هم حساس است.

رادیوی انگلیسی دارد به مردم تهران دستورالعمل میدهد به فلانی رأی بدهید، به فلانی رأی ندهید! معنای این چیست؟ انگلیسی‌ها دلشان تنگ شده برای دخالت کردن در ایران. یک روزی بود که پادشاه کشور وقتی میخواست تصمیم مهمی بگیرد، سفیر انگلیس را صدا میکرد و از او میپرسید که این کار را بکنم یا نکنم. انگلیس‌ها یک روزی این‌جور در امور کشور دخالت میکردند؛ بعد هم آمریکایی‌ها، یک مدتی هم هر دو؛ امروز این دست‌ها قطع شده است؛ امروز جلوی این دخالت‌ها گرفته شده است به برکت انقلاب، به برکت بیداری مردم؛ دلشان تنگ شده، حالا از راه رادیو به مردم دارند دستور میدهند به فلانی رأی بدهید، به فلانی رأی ندهید. اینکه ما عرض میکنیم در انتخابات، مردم با بصیرت، با آگاهی، با دانایی وارد بشوند، به‌خاطر این است؛ بدانند دشمن چه میخواهد؛ وقتی شما دانستی دشمن چه میخواهد، عکس او عمل میکنی؛ معلوم است. اهمیت این انتخابات به‌خاطر این است که این انتخابات مثل همین راه‌پیمایی چند روز قبل - بیست و دوّم بهمن - مظهر بیداری ملت ایران است، مظهر دفاع از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است، مظهر دفاع از استقلال کشور است، مظهر دفاع از عزت ملی است. اینکه بنده به همه‌ی ملت ایران عرض میکنم که حضور پیدا کنید، شرکت کنید، اعلام نظر کنید به‌خاطر این است؛ مسئله مهم است. دشمنان ما دشمنان بی‌پروایی هستند؛ در رأس آنها شبکه‌ی خطرناک و دور از انسانیت صهیونیستی است که بر دولت‌ها و بر قدرتهای غربی تسلط دارند؛ بخصوص بر آمریکایی‌ها.



شبکه‌ی صهیونیستی - نه رژیم صهیونیستی ؛ خود رژیم صهیونیستی یک گوشه‌ای از مجموعه‌ی استکبار آمریکایی است - که تجارند، پول‌دارهای درجه‌ی یک دنیا، تبلیغات دنیا دست اینها است، بانکهای دنیا دست اینها است، متأسفانه بر بسیاری از کشورها مسلطند ؛ بر دولت آمریکا مسلطند، بر سیاست آمریکا مسلطند، بر سیاست بسیاری از کشورهای اروپایی مسلطند ؛ در مقابل اینها باید بیدار بود. آمریکایی‌ها طبق نظر آنها عمل میکنند، برطبق میل آنها عمل میکنند.

الان بر سر همین قضیه‌ی هسته‌ای و این مذاکرات هسته‌ای - که خب حرفها گفته شد، مطالب گفته شد و این جریان طولانی انجام گرفت - همین دو روز قبل از این، مجدداً بار دیگر یک مسؤل آمریکایی گفت ما کاری میکنیم که سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران بزرگ دنیا جرئت نکنند بروند ایران سرمایه‌گذاری کنند. دشمنی را می‌بینید! آمریکا این است. یکی از هدفهای کسانی که دنبال این مذاکرات بودند - و انصافاً هم تلاش کردند و زحمت کشیدند ؛ این کسانی که این مذاکرات را انجام دادند، حقیقتاً زحمت کشیدند، عرق ریختند، واقعاً صرف وقت کردند - گشایش اقتصادی با سرمایه‌گذاری خارجی‌ها بود ؛ [اما] امروز آمریکایی‌ها جلوی همین را میگیرند. چندین بار تا حالا گفته‌اند ؛ باز دیروز پریروز، دو سه روز قبل از این، یکی دیگرشان مجدداً گفت ما کاری میکنیم که سرمایه‌گذارها جرئت نکنند بروند ایران سرمایه‌گذاری کنند. اینکه بنده ده بار گفتم به آمریکایی‌ها نمیشود اعتماد کرد، معنایش این است ؛ اینکه میگوییم اینها غیر قابل اعتمادند، معنایش این است.

سیاستمداران آمریکایی اعتراض میکنند که چرا در راه‌پیمایی‌های ایران و در اجتماعات ایران، مردم میگویند «مرگ بر آمریکا». خب [وقتی] شما این جوری عمل میکنید، میخواهید مردم ایران چه بگویند؟ این گذشته‌ی شما است، این سابقه‌ی شما است، این [هم] رفتار امروز شما است. دشمنی شما حتی بدون پرده‌پوشی است. بله، در دیدارهای خصوصی لبخند میزنند، دست میدهند، حرفهای چرب و نرم میزنند، زبان خوش به کار میبرند ؛ [اما] این مربوط به دیپلماسی دیدارهای خصوصی است ؛ اهمیتی ندارد، ارزشی ندارد، تأثیری در واقعیت ندارد. واقعیت این است که قرارداد را ببندند، مذاکرات را بکنند، دو سال چک و چانه بزنند، بعد که قضایا تمام شد بگویند حالا ما نمیگذاریم، و تهدید کنند که میخواهیم تحریم جدید بگذاریم برای اینکه سرمایه‌گذار خارجی بترسد، واهمه کند و نزدیک نیاید ؛ تصریح هم میکنند به این! آمریکا این است ؛ در مقابل این دشمن نمیشود انسان چشم خود را ببندد، نمیشود انسان حمل بر صحت بکند. این [درباره‌ی] وفای به عهدشان و قابل اعتماد نبودنشان. ملت عزیز ایران! طرف شما یک چنین عنصری است ؛ بیدار باید بود، هشیار باید بود. ما نمیخواهیم برای خودمان در دسر بیخودی درست کنیم ؛ بعضی‌ها نگویند شما مدام آمریکا را وادار میکنید و تحریک میکنید ؛ نه، آمریکا تحریک نمیشود، آمریکا دشمن است. آمریکا یک روز صاحب ایران بوده است، انقلاب آمده این [کشور] را از دستش بیرون آورده است ؛ از پا نمیخواهد بنشیند تا وقتی که دوباره خودش را مسلط بکند. آمریکا این است.

علاج کار کشور عبارت است از بیداری مردم، حفظ انگیزه‌های ایمانی مردم، به کار گرفتن جوانان پُرانگیزه و مؤمن، و تقویت درونی کشور ؛ این تنها راه است. ملت ایران باید از درون قوی بشود ؛ اقتصادش قوی بشود، علمش قوی بشود، دستگاه‌های مدیریتی‌اش قوی بشود و بالاتر از همه، ایمانش روزبه‌روز قوی‌تر بشود. این راه علاج است ؛ این همان راهی است که تا امروز ملت ایران رفته است. و دشمنانی میخواستند این انقلاب را، آن روزی که یک نهال باریکی بود از زمین بکنند و نابود کنند و نتوانستند، امروز همان نهال باریک تبدیل شده است به یک درخت تناور: كَشَجَرَةٌ طَيِّبَةٌ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تَوْتَى أَكْثَرُهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذَنُ رِيًّا ؛ (۵) امروز انقلاب این است. امروز



دشمن غلط میکند که به فکر برافکندن انقلاب باشد. مردم اتحاد خودشان را حفظ کنند، یکپارچگی خودشان را حفظ کنند، یکصدایی خودشان را در دفاع از انقلاب و اصول انقلاب و آرمانهای انقلاب حفظ کنند؛ مسئولین محترم کشور که علاقه‌مند به سرنوشت این کشورند، کار را به‌خاطر خدا و برای رضای خدا برای مردم انجام بدهند؛ به نیروهای داخلی اعتماد کنند و تکیه کنند.

البته ما گفته‌ایم اقتصاد مقاوتی درون‌زا و برون‌گرا است. من هیچ‌وقت نگفتم دُور کشور حصار بکشیم، اما این درون‌زایی را فراموش نکنید؛ اگر اقتصاد ملی از درون نجوشد و فوران نکند، به جایی نخواهد رسید. بله، تعامل با دنیا در زمینه‌های اقتصادی خیلی خوب است اما تعامل هوشمندانه و تعاملی که معنایش درون‌زایی اقتصاد باشد. راهش این است که ملت یابستند، مسئولین یابستند و آگاهانه و هوشیارانه حرکت کنند. جوانهای عزیز! به توفیق الهی و به فضل الهی، شماها خواهید دید آن روزی را که آمریکا و بزرگ‌تر از آمریکا و همه‌ی متحدین آمریکا، در قبال جمهوری اسلامی ایران هیچ غلطی نخواهند توانست بکنند. خداوندا! رحمت و لطف خودت را بر این ملت عزیز نازل کن. پروردگارا! این انگیزه‌ها، این ایمانها و این شور معنوی فراوان را روزبه‌روز در این کشور افزایش بده. از شما برادران و خواهران عزیز تشکر میکنم. به همه‌ی مردم عزیز آذربایجان و مردم تبریز هم سلام میرسانم؛ مَندَن‌ده سلام یئتیرون.

- ۱) در ابتدای این دیدار، آیت‌الله محسن مجتهدشبه‌ستری ( نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان ) مطالبی ارائه کرد.
- ۲) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۲
- ۳) بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ( ۱۳۹۴/۱۱/۱۹ )
- ۴) صحیفه‌ی امام، ج ۱۷، ص ۱۱۵
- ۵) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیات ۲۴ و ۲۵؛ «... مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؛ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد...»